

سید محمد کاظم عمار تهرانی

وی مدتی را در اروپا به تحصیل فرانسه و علوم ریاضی و طبیعی گذراند ...



ولادت: 1301ق.

محل ولادت: سامرا

وفات: 1396ق.

محل دفن: شهر ری

اساتید: حضرات آقا ضیاءالدین عراقی، محمد حسین کرمانشاهی، شیخ الشریعه اصفهانی و....

استاذ عرفان: سید احمد کربلایی

شاگردان: سید جلال الدین اشتیانی، مهدی محقق و...

تالیفات: علم الحدیث، رسائلی در وحدت وجود و ...

وی مدتی را در اروپا به تحصیل فرانسه و علوم ریاضی و طبیعی گذراند. گویا قصد داشت تحصیلات خود را در رشته طب دنبال کند ولی از وضع سالن تشریح ناراحت شد و از طرفی در رویایی صادق امیر المومنین علیه السلام را دید که به او فرمودند: پاریس چرا؟! بیا به نجف از اقامت و تحصیل در فرانسه منصرف و عازم نجف شد. خود می گوید در نجف بودم و اول هر ماه در مجلس مردی دل آگاه حضور می یافتم. یک بار کمی از حجره ام دور شده بودم که چشمم به دکان پینه دوزی افتاد. از پیرمرد پینه دوز خواستم نعلینم را مرمت کند و تاکید کردم که عجله دارم. پرسید: این چه درسی است که آن قدر برای شنیدنش عجله داری؟ وقتی در پی این سوال به چشمانش خیره شدم دیدم نگاهش نگاه مرد عامی نیست، تبسمی پر معنی بر لب داشت و گفت: ناراحت نباش به موقع خواهی رسید! بیرون آمدم و چند لحظه بعد به مجلس درس رسیدم. وقتی شروع به نوشتن تقریرات کردم دیدم این مطالب را ماه قبل شنیده و یادداشت کرده ام. از طلبه ای پرسیدم این درس تکراری نیست؟ گفت نه! همین الان شروع شده وقتی به منزل برگشتم و به یادداشت هایم مراجعه کردم دیدم بر خلاف تصورم چیزی از آنچه اکنون می دانم در آن دیده نمی شود. آن گاه دریافتم که آن پینه دوز مراحل بالایی از معرفت را طی کرده است و توانایی دارد مرا بر آنچه هنوز گفته نشده بیاگاهاند. به سراغ پیرمرد رفتم اما دکانش بسته بود و چند روز بعد خبر فوت او را شنیدم. مرحوم عصار در عرفانیات راسخ و دائم در حال ذکر بود. هرگز از مرید و مرادی پرهیز می کرد. آیت الله سید رضی شیرازی در مورد ایشان می فرماید: کمتر کسی علامه را جز در حالت ذکر می دید، به قرائت و تدبیر در قرآن اهتمام داشت. طبیعی متواضع داشت، بسیار خوش محضر و مزاح بود. او پس از مراجعت از نجف در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.